

تاملی در مفهوم زیست‌پذیری؛ شناخت، سنجش و رویکردها

محمدامین خراسانی

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران
khorasani_ma@ut.ac.ir

چکیده

زیست‌پذیری، یک مفهوم کلی است که با تعدادی از مفاهیم و اصطلاحات دیگر مانند پایداری، کیفیت زندگی، کیفیت مکان و اجتماعات سالم در ارتباط است. البته سنجش زیست‌پذیری مکان‌ها بدون در نظر گرفتن دانش و فرهنگ محلی امری امکان‌ناپذیر است. زیست‌پذیری به معنای توان و قابلیت یک مکان برای تأمین نیازهای زیستی ساکنان اعم از مادی و غیرمادی در جهت ارتقای کیفیت زندگی و ایجاد بستر شکوفایی توانمندی‌های عموم شهروندان است. این تحقیق با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از جدیدترین منابع موجود در ادبیات جهانی تدوین شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تشبیه یک سکونتگاه به یک موجود زنده می‌تواند به عنوان چارچوب مفهومی قوی برای توصیف سکونتگاه زیست‌پذیر مورد استفاده قرار گیرد. بر این اساس، حکمروایی و مشارکت، نظارت، بررسی، یادگیری به عنوان مغز و سیستم عصبی، ارزش‌های عام و احساس مکان و هویت به عنوان قلب، اجتماعات محلی کامل، فضای سبز، خوشه‌های صنعتی به عنوان اعضای بدن و جریان‌های منابع طبیعی، مسیرهای سرسبز، شبکه‌های انرژی، ارتباطات، حمل و نقل به عنوان سیستم گردش سکونتگاه زیست‌پذیر شناخته می‌شوند. سه رویکرد عمده برای شناسایی و سنجش زیست‌پذیری سکونتگاه‌ها وجود دارد. بر اساس پالایش دیدگاه‌های موجود در این دیدگاه‌ها، اجزای اصلی یک سکونتگاه زیست‌پذیر عبارت است از فضاهای عمومی و قابل حرکت پیاده، کاربری‌های تلفیقی، تراکم بالای محلات، مسکن مناسب و پیاده‌راه‌های سرزنده، اجتماعی و متناسب با ابعاد انسانی.

واژگان کلیدی: زیست‌پذیری، شناخت، سنجش، رویکرد

۱- مقدمه

زیست‌پذیری، یک مفهوم کلی است که با تعدادی از مفاهیم و اصطلاحات دیگر مانند پایداری، کیفیت زندگی و کیفیت مکان، و اجتماعات سالم در ارتباط است (Norris & Pittman, 2000 ; Blassingame, 1998). اگرچه تعریف زیست‌پذیری از یک اجتماع به اجتماعی دیگر متفاوت است، می‌توان از اهداف برنامه‌ریزی اجتماعی برای ایجاد معیارهای بومی زیست‌پذیری بهره‌گرفت. زیست‌پذیری غالباً برای تعریف ابعاد مختلف اجتماع و تجربه‌های مشترکی که آن را شکل می‌دهند، به کار گرفته می‌شود. زیست‌پذیری بر روی تجربه انسان از مکان تمرکز نموده و این تجارب را در ظرف زمانی و مکانی مشخص در نظر می‌گیرد (http://www.camsys.com/kb_experts_livability.htm).

زیست‌پذیری به عنوان یک مفهوم می‌تواند با توجه به بستر و زمینه‌ای که در آن تعریف می‌شود می‌تواند بسیار گسترده و یا محدود باشد. با این وجود، کیفیت زندگی در هر مکان در مرکز توجه این مفهوم قرار داشته و شامل نماگرهای قابل اندازه‌گیری بسیار متنوعی است که معمولاً تراکم، حمل و نقل، امنیت و پایداری، اجزای ثابت آن را تشکیل می‌دهند (Perogordo Madrid, 2007, p 40).

مردم و مکان، دو سوی مفهوم زیست‌پذیری هستند، اما شاخص‌های زیست‌پذیری، عمدتاً به بررسی صرف مکان و قلمرو می‌پردازند و نه اشخاص (خصوصاً این که افراد دچار تغییر شده و در زمان دارای تحرک مکانی هستند). هیچ معیاری نمی‌تواند تصویر کاملی از زیست‌پذیری ارائه دهد. مضاف بر این که اتکای صرف بر داده‌های به دست آمده از مردم و یا مکان‌ها می‌تواند به